

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بستهٔ سیاستی، حقوقی
«ظرفیت‌ها و فرصت‌های حقوقی ایران در
جنگ رمضان»

معاونت علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی
مرکز مطالعات، برنامه ریزی و تعالی علوم انسانی و هنر
کارگروه علمی - تخصصی حقوق

بهار ۱۴۰۵



تهران، خیابان حافظ، روبه‌روی تالار بورس،
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم شرقی
تلفن: ۶۶۳۴۸۰۲۱

همه حقوق این اثر برای
نشر علمی و دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی
محفوظ است.

بستهٔ سیاستی، حقوقی

«ظرفیت‌ها و فرصت‌های حقوقی ایران در جنگ رمضان»

اثر: معاونت علوم انسانی و هنر

صفحه‌آرایی و طراح جلد: محمود احمدی

چاپ اول: ۱۴۰۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ناشر: نشر علمی و دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی

چاپ‌خانه دانشگاه آزاد اسلامی

فهرست

مقدمه.....	۷
گزارش تهیه سه پیش‌نویس تقنینی در راستای سند «ظرفیت‌ها و فرصت‌های حقوقی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در پرتو جنگ رمضان».....	۲۳
پیش‌نویس ماده واحده و لایحه الحاق موادی به قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲.....	۲۹
متن لایحه الحاق موادی به قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲.....	۳۵
پیش‌نویس ماده واحده و لایحه الحاق موادی به قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان «سازمان تروریستی» توسط ایالات متحده آمریکا.....	۳۹
متن لایحه الحاق موادی به قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان «سازمان تروریستی» توسط ایالات متحده آمریکا.....	۴۵
پیش‌نویس نهایی لایحه قانون جبران خسارات اشخاص ناشی از جنگ، تجاوز و مخاصمات مسلحانه.....	۵۱

مقدمه

جنگ رمضان، در عین آنکه در ظاهر با چهره‌ای نظامی و امنیتی نمایان شد، در باطن خود لایه‌ای عمیق‌تر، پیچیده‌تر و ماندگارتر از آثار و پیامدهای حقوقی را پدید آورد؛ آثاری که اگر به موقع، دقیق و منسجم شناسایی و صورت‌بندی نشوند، بخش مهمی از حقوق ملی، ظرفیت‌های مطالبه‌گری بین‌المللی، و امکان استیفای منافع جمهوری اسلامی ایران در سطوح مختلف، یا مغفول خواهد ماند و یا در گذر زمان دچار فرسایش و تعذر اثبات خواهد شد. آنچه ضرورت تنظیم این سند را پدید آورد، صرف وقوع یک منازعه یا حتی صرف بروز یک حمله مسلحانه نبود؛ بلکه پیدایش وضعیتی استثنایی بود که در آن، طیفی از قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، قواعد ناظر بر منع مداخله، حق تعیین سرنوشت،

مسئولیت دولت‌های ثالث، جبران خسارت، و حتی در پاره‌ای موارد حقوق دریاهای و حقوق مرتبط با امنیت هسته‌ای، به‌گونه‌ای هم‌زمان و مترکبم در برابر جمهوری اسلامی ایران گشوده شد و یک میدان کم‌سابقه برای کنش حقوقی فعال، سنجیده و هدفمند فراهم آورد.

ضرورت دوم در تنظیم این سند، آن است که جنگ اخیر، از حیث ماهیت و شیوه وقوع، صرفاً در قالب کلاسیک «تجاوز نظامی» قابل تقلیل نیست، بلکه مجموعه‌ای از رفتارهای به‌هم‌پیوسته و چندسطحی را در بر می‌گیرد: از تهدید و تعرض به عالی‌ترین سطوح حاکمیتی و مداخله در استقلال سیاسی کشور، تا حمله به اشخاص و اماکن حمایت‌شده، هدف‌گیری سرمایه انسانی و علمی، تعرض به زیرساخت‌های حساس، استمرار فشارها و تحریم‌ها بر پایه ادعاهای فاقد انطباق با واقع، بهره‌گیری از ظرفیت برخی دولت‌های منطقه برای تسهیل تجاوز، و نیز نقش‌آفرینی برخی بازیگران رسانه‌ای در تحریک به جنگ، آشوب و خشونت. افزون بر این، حمله به اماکن آموزشی و دانشگاهی، از جمله مدرسه شجره طیبه میناب، تعرض به میراث فرهنگی، و ترور دانشمندان و نیروهای اثرگذار کشور، نشان داد که جنگ مزبور نه صرفاً متوجه توان نظامی، بلکه متعرض بنیان‌های تمدنی، علمی، اجتماعی و هویتی ملت ایران نیز بوده است. بدین‌سان، تنظیم یک سند جامع حقوقی، نه از سر تکثیر ادبیات سیاسی، بلکه از باب ضرورت علمیِ تفتیح موضوع، طبقه‌بندی افعال متخلفانه، و تفکیک دقیق انواع مسئولیت‌ها و مسیرهای مطالبه‌گری، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود.

ضرورت سوم، عبور از سطح واکنش‌های مقطعی و احیاناً پراکنده، به‌سوی طراحی یک نقشه راه حقوقی منسجم و اولویت‌بندی‌شده است. تجربه‌های بین‌المللی به‌روشنی نشان داده‌اند که در منازعات بزرگ، صرف حقانیت یک دولت

یا صرف وقوع نقض‌های آشکار، به‌تنهایی تضمین‌کننده استیفای حق نیست؛ بلکه آنچه تعیین‌کننده است، توانایی آن دولت در توصیف صحیح واقعه، انتخاب چارچوب‌های حقوقی مناسب، مستندسازی حرفه‌ای، تنظیم دعاوی منقح، توسعه تدریجی دامنه مسئولیت، و پیگیری مستمر و آینده‌نگرانه در مراجع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. از این‌رو، این سند در مقام آن نیست که صرفاً اعلام کند جمهوری اسلامی ایران «می‌تواند» از برخی ظرفیت‌ها استفاده کند؛ بلکه در پی آن است که نشان دهد کدام محورها، از حیث حقوقی، اقناعی، نهادی و راهبردی، واجد اولویت‌بیشترند و چگونه می‌توان از یک رخداد تلخ و پرهزینه، یک پرونده حقوقی فعال، زنده و انباشته برای تثبیت حق، جبران خسارت، تعقیب مسئولیت و صیانت از منافع ملی ساخت. خود سند نیز به‌صراحت بر این نکته تکیه دارد که سخن از «امکان نظری» طرح دعوا نیست، بلکه از «ظرفیت‌های واقعی و فرصت‌های عینی» پیش روی ایران است.

ضرورت چهارم، ماهیت زمان‌مند و زوال‌پذیر بخش مهمی از ادله و مستندات است. در چنین وضعیتی، هرگونه تأخیر در مستندسازی، راستی‌آزمایی، حفظ آثار، ثبت شهادت‌ها، طبقه‌بندی اسناد و پیوند دقیق میان فعل و نتیجه، می‌تواند به‌طور مستقیم از قدرت حقوقی کشور در مراحل بعدی بکاهد. از همین جهت، تنظیم این سند تنها یک اقدام نظری یا نگارشی نیست، بلکه بخشی از یک مداخله ضروری برای تبدیل حافظه جنگ به سند، تبدیل سند به استدلال، و تبدیل استدلال به مطالبه مؤثر حقوقی است. این سند می‌کوشد از همان آغاز، واقعه را در قالبی حقوقی بازخوانی کند تا میدان تحلیل، از واکنش‌های صرفاً سیاسی و رسانه‌ای فراتر رود و به سطحی برسد که در آن، هر حمله، هر تهدید، هر مداخله، هر تحریم، هر ترور، هر همکاری منطقه‌ای با متجاوز، و هر نقش‌آفرینی رسانه‌ای

مؤثر، در جای درست حقوقی خود بنشینند و در منظومه‌ای منظم از دعاوی، مسئولیت‌ها و مطالبات قابل تعقیب قرار گیرد. همین منطقی است که تدوین این سند را به یک ضرورت علمی، ملی و راهبردی تبدیل کرده است.

بر این اساس، سند حاضر با این پیش‌فرض تنظیم شده است که جنگ رمضان، هرچند در میدان واقعیت با هزینه‌ها، آلام و خسارات سنگینی همراه بوده، از منظر حقوقی می‌تواند به نقطه عزیمت یک کنش فعال و چندلایه برای جمهوری اسلامی ایران بدل شود؛ کنشی که از تثبیت موقعیت دولت صلح‌طلب و مقتدر مورد تجاوز آغاز می‌شود، به استناد مشروع و منضبط به حق دفاع مشروع امتداد می‌یابد، و سپس در سطوح متنوعی چون پیگیری نقض استقلال سیاسی، حق تعیین سرنوشت، ترور و قتل‌های هدفمند، حمله به مراکز آموزشی و علمی، توسعه دامنه مسئولیت به دولت‌های همکار با متجاوز، تعقیب جنایات بین‌المللی، به چالش کشیدن مبانی تحریم‌ها، مطالبه جبران کامل خسارات، و سرانجام مستندسازی ملی و منسجم، صورت‌بندی و پیگیری می‌شود. از این منظر، این سند تلاشی است برای آنکه حقوق، در کنار قدرت دفاعی و اقتدار ملی، به یکی از ارکان اصلی پاسخ جمهوری اسلامی ایران به جنگ اخیر تبدیل شود.

۱. تثبیت جایگاه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دولت صلح‌طلب و مقتدر مورد تجاوز

نخستین، بنیادی‌ترین و سرنوشت‌سازترین فرصت حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تثبیت جایگاه آن به‌عنوان دولت صلح‌طلب و مقتدر مورد تجاوز است. این توصیف، صرفاً یک تعبیر سیاسی یا ادبی نیست، بلکه دربردارنده دو مؤلفه اساسی است: از یک سو، جمهوری اسلامی ایران در موضع آغازگری جنگ و تجاوز قرار نداشته و از سوی دیگر، در برابر تعرض، از ظرفیت دفاعی و اقتدار ملی

لازم برای صیانت از موجودیت، استقلال و تمامیت ارضی خود برخوردار بوده است. در حقوق بین‌الملل معاصر، وصف اولیه واقعه، بنیان بسیاری از آثار حقوقی بعدی را شکل می‌دهد. مشروعیت دفاع، حق مطالبه جبران خسارت، امکان استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت‌های مهاجم، و نحوه مواجهه نهادهای بین‌المللی با منازعه، همگی تا حد زیادی بر این توصیف آغازین مبتنی‌اند. هنگامی که نیروی نظامی علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک دولت به کار گرفته می‌شود، موضوع در قلمرو ممنوعیت صریح بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد قرار می‌گیرد. همچنین قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی، تجاوز را استفاده از نیروی مسلح یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر می‌داند. بر این بنیاد، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند موقعیت خود را نه صرفاً به‌عنوان یکی از طرف‌های درگیر، بلکه به‌عنوان قربانی تعرض ابتدایی و مستقیم به نظم منشوری بین‌المللی تثبیت کند. این تثبیت، سنگ‌بنای همه پیگیری‌های بعدی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود و در عین حال، می‌تواند نشان دهد که صلح‌طلبی در نظم بین‌المللی نه به معنای انفعال، بلکه به معنای پابندی به قواعد حقوقی در کنار برخورداری از قدرت بازدارنده و دفاعی است.

۲. استناد مشروع و منضبط به حق دفاع مشروع

پس از تثبیت وصف تجاوز، مهم‌ترین فرصت حقوقی، بهره‌گیری دقیق و استوار از حق دفاع مشروع است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد تصریح می‌کند که در صورت وقوع حمله مسلحانه، حق ذاتی دفاع مشروع برای دولت‌ها محفوظ است. اهمیت این قاعده برای جمهوری اسلامی ایران تنها در مشروعیت‌بخشی به پاسخ دفاعی خلاصه نمی‌شود، بلکه در این نکته اساسی نهفته است که دفاع مشروع، هرگاه در چهارچوب ضرورت، تناسب و الزامات شناخته‌شده حقوق

بین‌الملل اعمال شده باشد، موضع حقوقی ایران را در برابر هرگونه ادعای وارونه استحکام می‌بخشد و هم‌زمان امکان تعقیب مسئولیت دولت‌های آغازگر حمله را تقویت می‌کند. از این منظر، دفاع مشروع صرفاً واکنشی نظامی نیست، بلکه حلقه پیوند میان اقتدار میدانی و قدرت حقوقی است؛ همان نقطه‌ای که در آن مقاومت مشروع، به سرمایه‌ای قابل استناد در عرصه بین‌المللی تبدیل می‌شود.

۳. پیگیری نقض استقلال سیاسی و مداخله در ساختار بنیادین حاکمیت
پس از دو محور پیش‌گفته، یکی از قوی‌ترین و راهبردی‌ترین فرصت‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران، طرح دعوی نقض استقلال سیاسی کشور است. منشور ملل متحد استقلال سیاسی دولت‌ها را در شمار مهم‌ترین ارزش‌های مورد حمایت خود قرار داده و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اصل عدم مداخله را در زمره اصول اساسی حقوق بین‌الملل دانسته است. مقصود از این اصل، منع هرگونه دخالت مستقیم یا غیرمستقیم در اموری است که ذاتاً در صلاحیت انحصاری دولت‌ها قرار دارند؛ از جمله سازمان قدرت عمومی، نحوه تعیین عالی‌ترین مقامات، و جهت‌گیری‌های بنیادین حکمرانی. بر این پایه، تهدید و ترور رهبر یک کشور، تهدید مقام جانشین، و کوشش برای اثرگذاری بر استمرار نهادهای عالی حاکمیتی، صرفاً تعرض به یک شخص یا یک مقام نیست، بلکه مداخله در کانون حیات سیاسی و نظم اساسی یک ملت است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این مجموعه اقدامات را در قالب دعوایی استوار و منقح، به‌عنوان تعرض به استقلال سیاسی و نقض بنیان‌های اساسی نظم حقوقی خود پیگیری کند.

۴. استناد به حق ملت ایران در تعیین آزادانه سرنوشت همه‌جانبه خویش

در پیوند مستقیم با محور پیشین، فرصت مهم دیگر، استناد به حق ملت ایران در تعیین آزادانه سرنوشت همه‌جانبه خویش است. این حق، صرفاً به تعیین شکل ظاهری حکومت یا انتخاب سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حیات جمعی ملت را نیز در بر می‌گیرد. ماده ۱ مشترک میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر این اصل بنیادین تأکید دارد که همه ملت‌ها حق دارند آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین کنند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را دنبال نمایند. در نظم حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این معنا با مبانی روشن و قابل استناد همراه است. هرگاه تهدید، ترور، حمله و فشار خارجی متوجه عالی‌ترین ارکان تصمیم‌گیری یک کشور شود، این رفتار افزون بر نقض استقلال سیاسی دولت، تعرض به حق جمعی ملت در استمرار ساختار حقوقی و سیاسی برگزیده خویش و نیز دیگر ابعاد تعیین‌کنندگی ملی به شمار می‌آید. از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند موضوع را از سطح کلاسیک استعمال نامشروع زور فراتر برده و آن را به‌مثابه نقض حق ملت ایران در تعیین آزادانه سرنوشت همه‌جانبه خویش مطرح کند. این سطح از صورت‌بندی، هم قدرت حقوقی و هم وزن هنجاری استدلال ایران را افزایش می‌دهد.

۵. تعقیب، ترور و قتل‌های هدفمند به‌عنوان نقض حق حیات و در مواردی جنایت جنگی

پس از تثبیت موقعیت ایران در قبال تجاوز و مداخله، یکی از برجسته‌ترین فرصت‌های حقوقی، پرونده ترور و قتل هدفمند است. در حقوق بین‌الملل بشر، محروم‌سازی خودسرانه از حیات ممنوع است و حق حیات در شمار بنیادی‌ترین حقوق انسانی قرار دارد. در حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز اصل بر حمایت از

غیرنظامیان و ممنوعیت حمله مستقیم به آنان است، مگر در شرایط استثنایی و مضیق. بنابراین، هدف قرار دادن رهبران سیاسی، مدیران اجرایی، دانشمندان و دیگر اشخاصی که از منظر حقوقی در شمار اهداف نظامی مشروع قرار نمی‌گیرند، این امکان را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌سازد که ادعاهایی سنگین و استوار را طرح کند: قتل فراقضایی، نقض حق حیات، حمله مستقیم به اشخاص حمایت شده و، در موارد مقتضی، جنایت جنگی. اهمیت این محور در آن است که دعوا را از سطح ادبیات سیاسی خارج می‌کند و به حوزه‌ای می‌برد که از حیث حقوقی و اخلاقی، بیشترین حساسیت جهانی را دارد.

۶. طرح تعرض به سرمایه انسانی، علمی و فناورانه کشور

در امتداد پرونده قتل‌های هدفمند، هدف‌گیری دانشمندان، مدیران علمی و فنی و مسئولان اجرایی ظرفیتی مضاعف برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند. این اشخاص تنها افراد عادی نیستند که تعرض به آنان صرفاً نقض حق حیات باشد؛ بلکه آنان در پیوند با بنیه علمی، فناورانه و راهبردی کشور قرار دارند. از این منظر، هدف قرار دادن آنان، حمله به سرمایه انسانی، توان علمی، استقلال فناورانه و ظرفیت توسعه ملی است. این امر به‌ویژه هنگامی اهمیت مضاعف می‌یابد که با حمله به مراکز علمی، دانشگاهی، پژوهشی، تأسیسات راهبردی و زیرساخت‌های فناورانه همراه شود. در چنین وضعی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند دعوای خود را در قالب تعرض به امنیت علمی کشور، حق توسعه، و سیانت از ظرفیت‌های راهبردی ملی نیز صورت‌بندی کند.

۷. پیگیری حملات علیه اماکن آموزشی، دانشگاهی و فرهنگی

یکی دیگر از محورهای مهم که باید با صراحت در دستور کار حقوقی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد، تعقیب حملات علیه اماکن آموزشی،

دانشگاهی و فرهنگی است. حمله به مدرسه شجره طیبه و شهادت دختران دبستانی، تعرض به دانشگاه‌ها، و نیز حمله به اماکن و آثار مرتبط با میراث فرهنگی بشری، تنها مصادیق خسارت‌های جانبی جنگ نیستند، بلکه در بسیاری موارد می‌توانند مصادیق روشن نقض قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حتی جنایت جنگی تلقی شوند. در این حوزه، موضوع فقط جان انسان‌ها یا تخریب بناها نیست؛ بلکه تعرض به آینده آموزشی یک ملت، لطمه به بنیان علمی و فرهنگی کشور، و حمله به عناصر سازنده هویت تاریخی و تمدنی جامعه مطرح است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این محور را به صورت مستقل و برجسته پیگیری کند و در مجامع ملی و بین‌المللی، بر مسئولیت ناشی از حملات به مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز علمی، اماکن مذهبی، و میراث فرهنگی بشری تأکید ورزد.

۸. توسعه دامنه مسئولیت به دولت‌های منطقه‌ای همکار با متجاوز

یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های تکمیلی اما راهبردی، توسعه دامنه مسئولیت بین‌المللی به دولت‌های منطقه‌ای همکار با متجاوز است. هر دولتی که آگاهانه سرزمین، حریم هوایی، پایگاه‌ها، سامانه‌های راداری، پشتیبانی لجستیکی یا پوشش دفاعی خود را برای عملیات علیه جمهوری اسلامی ایران در اختیار دولت‌های متجاوز قرار داده باشد، دیگر در موضع بی‌طرفی قرار ندارد. بند (f) ماده ۳ قطعنامه ۳۳۱۴ تصریح می‌کند که اجازه استفاده از قلمرو یک دولت برای ارتکاب عمل تجاوز علیه دولت ثالث، خود در زمره اعمال تجاوز قرار می‌گیرد. افزون بر آن، قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز یاری، مساعدت، هدایت و کنترل در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی را منشأ مسئولیت می‌شناسند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند دامنه دعوا را از دولت‌های مباشر به دولت‌های

تسهیل‌گر، پشتیبان و شریک در عملیات نیز گسترش دهد و در برابر آنان، توقف همکاری، تضمین عدم تکرار و سهم متناسب در جبران خسارات را مطالبه نماید.

۹. مسئولیت دولت‌های ثالث در تداوم و تحکیم وضعیت نامشروع

ورای مشارکت در وقوع تجاوز، بعد دیگری نیز وجود دارد و آن مساعدت در تداوم و تحکیم وضعیت نامشروع است. هر دولت ثالثی که نه تنها از همراهی با تجاوز خودداری نکرده، بلکه با حمایت عملیاتی، اطلاعاتی یا دفاعی به استمرار آن یاری رسانده است، در معرض استناد به قواعد مربوط به نقض‌های شدید تعهدات ناشی از قواعد آمره قرار می‌گیرد. از این رو، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مسئولیت دولت‌های منطقه‌ای را نه فقط از حیث مشارکت در آغاز تجاوز، بلکه از حیث یاری در تداوم و تثبیت آثار آن نیز تعقیب کند. این محور، به‌ویژه در مواردی که برخی دولت‌ها در رهگیری یا خنثی‌سازی بخشی از پاسخ دفاعی ایران نقش مؤثر داشته‌اند، از اهمیت مضاعف برخوردار است.

۱۰. پیگیری ارتکاب جنایات بین‌المللی

در کنار همه محورهای پیش‌گفته، باید با صراحت از ارتکاب جنایات بین‌المللی نیز سخن گفت. جنگ اخیر صرفاً از منظر مسئولیت دولت‌ها قابل بررسی نیست، بلکه ظرفیت طرح در سطح مسئولیت‌های کیفری و شبه‌کیفری نیز دارد. در این حوزه، دست‌کم سه عنوان اساسی باید مورد توجه قرار گیرد: جنایت تجاوز، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت. جنایت تجاوز ناظر به برنامه‌ریزی، آماده‌سازی، آغاز یا اجرای عمل تجاوزکارانه است؛ جنایات جنگی شامل حملات عمدی علیه غیرنظامیان، اماکن غیرنظامی، مدارس، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و زیرساخت‌های حمایت‌شده می‌شود؛ و جنایات علیه بشریت در صورت احراز عناصر لازم، در پرتو حملات گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت

غیرنظامی قابل طرح است. اهمیت این محور در آن است که هم ظرفیت‌های بین‌المللی و هم ظرفیت‌های داخلی برای پیگیری آن وجود دارد و همین امر، دامنه ابزارهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران را توسعه می‌دهد.

۱۱. پیگیری حمله به تأسیسات هسته‌ای در قالب یک پرونده ویژه و ممتاز از حیث فنی و راهبردی، حمله به تأسیسات هسته‌ای یکی از سنگین‌ترین محورهای حقوقی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران است. حملات علیه این‌گونه تأسیسات صرفاً تعرض به یک هدف داخلی تلقی نمی‌شود، بلکه می‌تواند پیامدهای انسانی، زیست‌محیطی و فرامرزی گسترده‌ای داشته باشد. بر این مبنا، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این حملات را نه فقط در چهارچوب منع کلی توسل به زور، بلکه در قالب دعوی خاص ناظر به ایمنی هسته‌ای، تهدید فرامرزی و مسئولیت ناشی از حمله به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای تعقیب کند. این محور از آن جهت اهمیت فوق‌العاده دارد که پرونده ایران را به سطوحی فراتر از دعوای متعارف میان دو دولت ارتقا می‌دهد و آن را به مسئله‌ای مرتبط با امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی بدل می‌سازد.

۱۲. به چالش کشیدن مبانی حقوقی و سیاسی تحریم‌ها، به‌ویژه تحریم‌های هسته‌ای

پس از حمله به تأسیسات هسته‌ای، یکی از مهم‌ترین فرصت‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران، به چالش کشیدن مبانی حقوقی و سیاسی تحریم‌ها است. این امر از دو مسیر قابل تعقیب است: نخست، بی‌اعتبار ساختن توجیهاتی که فشار، تحریم و حمله را بر ادعای وجود تهدید فوری هسته‌ای استوار کرده‌اند؛ و دوم، تمرکز بر آثار عینی تحریم‌ها بر حق حیات، حق سلامت، دسترسی به دارو و تجهیزات پزشکی، ایمنی هوانوردی غیرنظامی و بازسازی کشور در شرایط جنگ و

پس از جنگ. قدرت این محور در آن است که دعوا را از حوزه اعتراض سیاسی به حوزه حقوق بنیادین و الزامات بشردوستانه منتقل می‌کند؛ حوزه‌ای که از حیث قضایی و اقماعی، به مراتب محکم‌تر و کم‌خنده‌تر است.

۱۳. پیگیری مسئولیت رسانه‌های محرک جنگ، آشوب و خشونت

در مرتبه بعد، پرونده رسانه‌های محرک جنگ، آشوب و خشونت قرار می‌گیرد. هرگاه نقش رسانه‌ای از سطح تحلیل، موضع‌گیری یا انتقاد سیاسی عبور کرده و به سطح تحریک مؤثر به جنگ، حمله، شورش، تجهیز آشوب‌گران، یا تسهیل هدف‌گیری مراکز و اشخاص حساس رسیده باشد، می‌توان آن را در چهارچوب قواعد بین‌المللی مربوط به تبلیغ جنگ و تحریک به خصومت و خشونت بررسی و تعقیب کرد. جمهوری اسلامی ایران در این محور می‌تواند سه سطح از مسئولیت را به صورت منقح پیگیری کند: تحریک مستقیم به جنگ؛ دعوت به آشوب، خشونت و تجهیز داخلی؛ و تسهیل اطلاعاتی برای هدف‌گیری نقاط حساس. این پرونده هرچه دقیق‌تر و مستندتر تنظیم شود، از سطح گلایه سیاسی فاصله بیشتری خواهد گرفت و به دعوایی منسجم و مؤثر تبدیل خواهد شد.

۱۴. بازتعریف رژیم حقوقی و مسئولیت امنیتی در موضوع تنگه هرمز

در موضوع تنگه هرمز، فرصت حقوقی جمهوری اسلامی ایران بیش از آنکه در جدل انتزاعی درباره بستن یا نبستن تنگه خلاصه شود، در بازتعریف رژیم حقوقی و مسئولیت آغازگران بحران نسبت به امنیت یک آبراه حیاتی بین‌المللی نهفته است. در پرتو جنگ اخیر و تحولات ناشی از آن، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند موضوع هرمز را از سطح یک بحث کلاسیک در حقوق دریاها فراتر برده و آن را به بخشی از ترتیبات پساجنگ، تضمین اجرای مطالبات ایران، و یکی از ابزارهای

راهبردی برای استیفای حقوق ناشی از جنگ بدل سازد. در واقع، در جهانی که ساختار قدرت بارها نظم حقوقی مستقر را نادیده گرفته و قواعد بنیادین را به نفع اراده قدرت‌های برتر تفسیر کرده است، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تکیه بر موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و حقوقی خود، نظام مشخصی از شروط، تضمین‌ها و ضمانت اجراها را در خصوص امنیت هرگز و ترتیبات عبور و مرور در شرایط پساجنگ مطرح سازد. از این منظر، تنگه هرگز فقط یک موضوع عملیاتی یا حقوق دریایی نیست، بلکه به یک پرونده ژئوحقوقی و راهبردی برای تضمین کلیه مطالبات ناشی از جنگ و تثبیت حقوق ایران در نظم منطقه‌ای آینده تبدیل می‌شود.

۱۵. تبدیل جنگ به یک پرونده انباشته برای جبران کامل خسارت

در سطح پیامدها، مهم‌ترین فرصت عملی جمهوری اسلامی ایران، تبدیل جنگ اخیر به یک پرونده انباشته و پایدار برای مطالبه جبران کامل خسارت است. نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به روشنی مقرر می‌دارد که هر فعل متخلفانه بین‌المللی، تعهد به توقف، عدم تکرار و جبران کامل خسارت را در پی دارد. این جبران می‌تواند در قالب اعاده وضع سابق، غرامت و ترضیه جلوه‌گر شود. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند هم‌زمان توقف رفتارهای ناقص، اخذ تضمین‌های مؤثر برای عدم تکرار، جبران خسارات مادی و معنوی، و در صورت اقتضا، اشکال مختلف ترضیه و اعتذار رسمی را مطالبه کند. این همان نقطه‌ای است که ظرفیت حقوقی از سطح تحلیل نظری فراتر می‌رود و به برنامه عملی نهادهای دیپلماتیک، حقوقی و قضایی کشور تبدیل می‌شود.

۱۶. مستندسازی ملی به‌عنوان یک پروژه حیاتی و فوری

در میان همه محورها، باید با تأکید ویژه گفت که مستندسازی نه یک امر فرعی، بلکه شرط عملیاتی شدن همه بندهای پیشین و پسین است. اگر این بخش

به درستی انجام نشود، بسیاری از ظرفیت‌های حقوقی یادشده در حد ظرفیت باقی می‌مانند و به نتیجه ملموس نمی‌رسند. مستندسازی در اینجا به معنای documentary یا صرف تهیه فیلم و گزارش نمایشی نیست، بلکه به معنای documentation است؛ یعنی گردآوری، ثبت، طبقه‌بندی، راستی‌آزمایی و حفظ ادله و اسناد به‌گونه‌ای که در مراجع قضایی، دیپلماتیک و بین‌المللی قابل استناد باشند. این موضوع، به حق، می‌تواند یک پروژه ملی مستقل تلقی شود. برای اجرای این بند، اکنون نیز تأخیر وجود دارد و هرگونه تعلل بیشتر، بخشی از ارزش اسناد، ح افظه شهود، آثار جرم، و امکان پیوند دقیق میان فعل و نتیجه را کاهش می‌دهد. از این رو، مستندسازی باید فوراً، منسجم، تخصصی و با تقسیم کار ملی میان نهادهای ذی‌ربط دنبال شود؛ زیرا اجرای همه بندهای قبلی و حتی موفقیت در بندهای بعدی، در عمل، وابسته به همین محور است.

۱۷. جمع‌بندی نهایی

برآیند این تحلیل آن است که جمهوری اسلامی ایران امروز با مجموعه‌ای از فرصت‌های حقوقی درهم‌تنیده و هم‌افزا مواجه است: تثبیت موقعیت دولتِ صلح‌طلب و مقتدرِ مورد تجاوز؛ استناد مشروع و منضبط به حق دفاع از خود؛ پیگیری نقض استقلال سیاسی و اصل عدم مداخله؛ استناد به حق ملت ایران در تعیین آزادانه سرنوشت همه‌جانبه خویش؛ تعقیب ترور و قتل‌های هدفمند؛ صیانت از سرمایه انسانی، علمی و راهبردی کشور؛ پیگیری حملات علیه مدارس، دانشگاه‌ها و اماکن فرهنگی؛ توسعه دامنه مسئولیت به دولت‌های منطقه‌ای همکار با متجاوز؛ تعقیب جنایات بین‌المللی؛ پیگیری حمله به تأسیسات هسته‌ای؛ به چالش کشیدن مبانی حقوقی تحریم‌ها؛ تعقیب مسئولیت محرکان رسانه‌ای جنگ و خشونت؛ بازتعریف رژیم حقوقی و مسئولیت امنیتی در موضوع تنگه هرمز؛

مطالبه جبران کامل خسارات؛ و عملیاتی‌سازی همه این محورها از رهگذر مستندسازی ملی فوری، دقیق و حرفه‌ای. این ظرفیت‌ها زمانی به نتیجه نزدیک می‌شوند که ارکان جمهوری اسلامی ایران، از دستگاه دیپلماسی و نهادهای حقوقی تا مراجع تقنینی، قضایی، امنیتی، دانشگاهی و رسانه‌ای، در قالب راهبردی منسجم، مستند، آینده‌نگر و پیگیر، آنها را در مجامع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال کنند. از این منظر، جنگ اخیر فقط میدان دفاع و دفع خطر نبود، بلکه می‌تواند سرآغاز مرحله‌ای تازه از کنش حقوقی فعال، سنجیده و امیدآفرین برای جمهوری اسلامی ایران باشد؛ مرحله‌ای که در آن، دفاع مشروع و اقتدار ملی، به حق مطالبه بین‌المللی و سرمایه‌ای ماندگار در عرصه حقوق تبدیل می‌شود.

گزارش تهیه سه پیش نویس تقنینی در راستای سند
«ظرفیت‌ها و فرصت‌های حقوقی پیش روی جمهوری
اسلامی ایران در پرتو جنگ رمضان»

کمیته علمی تخصصی حقوق، با مشارکت و هم‌افزایی چهار کارگروه تخصصی حقوق خصوصی، حقوق جزا، حقوق بین‌الملل و حقوق عمومی، در ادامه مسیر علمی و راهبردی ترسیم‌شده در سند «ظرفیت‌ها و فرصت‌های حقوقی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در پرتو جنگ رمضان»، موفق به تهیه و تنقیح سه پیش‌نویس مهم تقنینی شده است. سند مزبور با هدف تبیین، تنقیح و صورت‌بندی ظرفیت‌ها و فرصت‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتو جنگ رمضان، و با نظر به ضرورت طراحی چارچوبی منسجم برای شناسایی، اولویت‌بندی و پیگیری دعاوی، مطالبات و راهبردهای حقوقی در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تنظیم شده و بر این مبنا استوار است که جنگ اخیر، افزون بر ابعاد نظامی و سیاسی، واجد امکان‌های حقوقی متعددی است که

تنها در پرتو تحلیل منظم، مستند و آینده‌نگرانه می‌توان آن‌ها را به برنامه‌ای عملی برای استیفای حقوق ملی، تعقیب مسئولیت‌ها و صیانت از منافع بنیادین کشور تبدیل کرد.

در همین چارچوب، کمیته علمی تخصصی حقوق بر آن شد که بخشی از مهم‌ترین محورهای مندرج در سند یادشده را از سطح تحلیل و تبیین، به سطح طراحی تقنینی و سازوکارهای اجرایی قابل عرضه ارتقا دهد. حاصل این تلاش، تدوین سه پیش‌نویس لایحه است که هر یک ناظر به بخشی از ظرفیت‌های اصلی پیش‌بینی‌شده در سند بالادستی بوده و در مجموع، می‌توان آن‌ها را نخستین بسته تقنینی برآمده از آن سند راهبردی دانست.

نخستین پیش‌نویس، «لایحه قانون جبران خسارات اشخاص ناشی از جنگ، تجاوز و مخاصمات مسلحانه» است. این لایحه از حیث جایگاه، ناظر به یکی از بنیادی‌ترین محورهای سند اصلی، یعنی مطالبه جبران کامل خسارات و تبدیل جنگ به یک پرونده حقوقی انباشته برای حمایت از زیان‌دیدگان و استیفای حقوق ملت ایران است. در سند «ظرفیت‌ها و فرصت‌ها» تصریح شده بود که از مهم‌ترین فرصت‌های عملی جمهوری اسلامی ایران، تبدیل پیامدهای جنگ به یک برنامه پایدار برای جبران کامل خسارات و ایجاد سازوکار منسجم مستندسازی و مطالبه است. پیش‌نویس حاضر دقیقاً در همین راستا، در پی آن است که با ایجاد یک مرجع واحد، سازوکاری جامع، پایدار، شفاف و منظم برای ثبت، ارزیابی، تقویم، جبران، بازسازی، اسکان موقت، رسیدگی به اعتراضات، و نیز استیفای بین‌المللی خسارات فراهم آورد و نظام حقوقی کشور را از سطح تصمیمات پراکنده و موردی، به سطح یک نظم قانونی منسجم و دائمی در حوزه

جبران خسارات جنگی ارتقا دهد. از این جهت، این سند را باید بازوی تقنینی محور «جبران خسارت» در سند اصلی دانست.

دومین پیش‌نویس، «لایحه الحاق موادی به قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲» است. اهمیت این پیش‌نویس در آن است که به یکی از راهبردی‌ترین محورهای سند اصلی، یعنی بازتعریف رژیم حقوقی و مسئولیت امنیتی در موضوع تنگه هرمز، صورت تقنینی و اجرایی می‌بخشد. در سند بالادستی تأکید شده بود که فرصت حقوقی جمهوری اسلامی ایران در موضوع تنگه هرمز، بیش از آنکه در مناقشات انتزاعی بر سر بستن یا نبستن تنگه خلاصه شود، در بازتعریف مسئولیت امنیتی این آبراه، تنظیم ترتیبات عبور و مرور، و تبدیل آن به بخشی از ترتیبات حقوقی و راهبردی پسا‌جنگ نهفته است. لایحه مزبور نیز با همین منطق، در صدد ایجاد چارچوبی روشن‌تر برای کنترل و نظارت بر عبور و مرور، صدور گواهی‌های لازم، مقابله با فعالیت‌های مخل امنیت دریانوردی، پیشگیری از قاچاق و جرایم سازمان‌یافته، صیانت از محیط زیست دریایی و تقویت نقش شورای عالی امنیت ملی در تنظیم سازوکارهای اجرایی در محدوده تنگه هرمز است. بنابراین، این پیش‌نویس را باید تجسم تقنینی ظرفیت ژئوحقوقی و ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در یکی از حساس‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان و ترجمان عملی محور چهاردهم سند اصلی دانست.

سومین پیش‌نویس، «لایحه الحاق موادی به قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان «سازمان تروریستی» توسط ایالات متحده آمریکا» است. این پیش‌نویس از حیث جایگاه و اهمیت، به محورهایی از سند اصلی مربوط می‌شود که ناظر به توسعه دامنه مسئولیت، تعقیب

جنایات بین‌المللی، پیگیری اقدامات تروریستی و خصمانه، ایجاد سازوکارهای مؤثر برای جبران خسارات، و بهره‌گیری از ابزارهای تقنینی برای اقدام متقابل فعال است. در سند «ظرفیت‌ها و فرصت‌ها» بر موضوعاتی چون تعقیب ترور و قتل‌های هدفمند، توسعه مسئولیت به دولت‌ها و بازیگران همکار و پشتیبان، پیگیری جنایات بین‌المللی، و نیز ایجاد ابزارهای حقوقی برای مصادره، جبران و بازسازی تأکید شده بود. پیش‌نویس حاضر نیز در همین امتداد، با تصریح مسئولیت تضامنی ایالات متحده آمریکا و نیروها، رژیم‌ها و گروه‌های تروریستی تحت حمایت آن، پیش‌بینی سازوکار بازرسی و مصادره اموال برای جبران خسارات، تشکیل شعب ویژه برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی، و تأسیس صندوق جبران خسارات ناشی از جنگ، می‌کوشد ظرفیت‌های پراکنده و اولیه قانون موجود را به یک سازوکار جامع‌تر برای اقدام متقابل، تعقیب، جبران و بازسازی حقوقی ارتقا دهد. از این رو، این پیش‌نویس جایگاهی ممتاز در پیوند میان سند اصلی و حوزه اقدام تقنینی ناظر به مقابله حقوقی فعال با اقدامات آمریکا و عوامل تحت حمایت آن دارد.

برآیند مجموعه این اقدامات آن است که سه پیش‌نویس مزبور، هر یک به‌گونه‌ای مکمل و در عین حال مستقل، بخشی از ظرفیت‌های مندرج در سند اصلی را از مرتبه بحث نظری و تبیین راهبردی، به مرتبه طراحی قانونی و راهکار اجرایی ارتقا داده‌اند: لایحه جبران خسارات، ناظر به حمایت از زیان‌دیدگان و سامان‌دهی جبران داخلی و بین‌المللی؛ لایحه الحاق به قانون مناطق دریایی، ناظر به صیانت از منافع ملی و بازتعریف ظرفیت حقوقی جمهوری اسلامی ایران در موضوع تنگه هرمز؛ و لایحه الحاق به قانون اقدام متقابل، ناظر به تعقیب، مقابله، توسعه مسئولیت، جبران و بهره‌گیری از ابزارهای کیفری و مالی برای پاسخ حقوقی

فعال است. به بیان دیگر، این سه سند را باید نخستین ثمره منسجم فعالیت علمی کمیته حقوقی در راستای تبدیل سند «ظرفیت‌ها و فرصت‌های حقوقی» به بسته‌های تقنینی و نهادی قابل عرضه و پیگیری دانست.

بدین وسیله، ضمن تقدیم این گزارش، اعلام می‌دارد کمیته علمی تخصصی حقوق آمادگی دارد در ادامه این مسیر نیز سایر محورهای مندرج در سند اصلی را حسب اولویت، در قالب پیش‌نویس‌های تقنینی، گزارش‌های توجیهی، اسناد پشتیبان و چارچوب‌های اجرایی تکمیل و ارائه نماید تا از رهگذر این تلاش جمعی، سهمی شایسته در تقویت اقتدار حقوقی جمهوری اسلامی ایران، صیانت از حقوق ملت، و تبدیل ظرفیت‌های نظری به ابزارهای مؤثر حقوقی و نهادی ایفا گردد.

پیش نویس ماده واحده و لایحه الحاق موادی به قانون
مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و
دریای عمان مصوب ۱۳۷۲

ماده واحده

لایحه الحاق موادی به قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲، مشتمل بر یک مقدمه توجیهی و سه ماده، به شرح پیوست، برای انجام تشریفات قانونی تقدیم مجلس شورای اسلامی می شود.

مقدمه توجیهی

با توجه به موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئوحقوقی تنگه هرمز، و با عنایت به اینکه قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را بر دریای سرزمینی در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان شناسایی کرده و در خصوص عبور بی ضرر، شرایط سلب وصف بی ضرری، امکان وضع مقررات تکمیلی، تعلیق عبور به

منظور دفاع از امنیت و بنا به مصالح عالیه کشور، لزوم اخذ موافقت قبلی برای عبور برخی شناورها، اعمال صلاحیت‌های مدنی و کیفری، حق اقدام در منطقه نظارت، اعمال حقوق حاکمه در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره، ممنوعیت فعالیت‌های مغایر با منافع و حقوق جمهوری اسلامی ایران، و نیز حق تعقیب فوری متخلفان، ظرفیت‌های حقوقی مهمی را برای صیانت از امنیت، نظم و منافع ملی پیش‌بینی کرده است، لکن شرایط نوین امنیتی و راهبردی منطقه و ضرورت بازتعریف سازوکارهای مؤثر و عملیاتی در محدوده تنگه هرمز، اقتضا می‌کند که احکام قانون مزبور در این بخش، با تصریح و تکمیل بیشتری همراه شود. مواد ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۰ و ۲۱ قانون مزبور، شالوده این ظرفیت‌ها را از پیش فراهم کرده‌اند.

تحولات اخیر منطقه، به‌ویژه در پرتو جنگ رمضان، نشان داده است که تنگه هرمز دیگر صرفاً یک معبر دریایی یا موضوعی محدود به مباحث کلاسیک حقوق دریاها نیست، بلکه به یکی از مهم‌ترین نقاط تلاقی امنیت ملی، امنیت دریانوردی، مقابله با تروریسم و تأمین مالی آن، پیشگیری از قاچاق و جرایم سازمان‌یافته، حفاظت از محیط زیست دریایی، صیانت از سلامت عمومی، و حفظ ترتیبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه تبدیل شده است. از همین رو، تدوین و تصویب چارچوبی قانونی برای تنظیم دقیق‌تر عبور و مرور در آب‌های واقع در محدوده تنگه هرمز، نه اقدامی خارج از منطبق قانون موجود، بلکه تکمیل طبیعی ظرفیت‌هایی است که قانون ۱۳۷۲ بنیان نهاده است. در یادداشت راهبردی مرتبط نیز بر این نکته تصریح شده است که فرصت حقوقی جمهوری اسلامی ایران در موضوع تنگه هرمز، بیش از آنکه در جدل انتزاعی درباره بستن یا

ن بستن تنگه خلاصه شود، در بازتعریف رژیم حقوقی و مسئولیت امنیتی این آبراه حیاتی و تبدیل آن به بخشی از ترتیبات حقوقی و راهبردی پسا جنگ نهفته است.

لایحه حاضر، با حفظ چارچوب کلی قانون موجود، درصدد آن است که نخست، برای عبور و مرور در آب‌های واقع در محدوده تنگه هرمز، یک سازوکار مشخص و پیشینی کنترلی و نظارتی در قالب «گواهی تأییدیه عدم وجود شرایط مذکور در ماده ۶ قانون» برقرار سازد تا عبور و مرور دریایی در این محدوده، در پرتو ملاحظات امنیت دریانوردی، مقابله با تروریسم و تأمین مالی آن، مقابله با قاچاق کالا و مواد مخدر، حفاظت از محیط زیست دریایی و رعایت ضوابط بهداشتی، در چارچوبی منظم، قابل کنترل و مبتنی بر تقسیم کار نهادی سامان یابد. در همین راستا، پیش‌نویس حاضر همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را بر مبنای تقسیم کاری که به تصویب شورای عالی امنیت ملی می‌رسد، پیش‌بینی کرده و در کنار آن، تعیین تعرفه هزینه‌های بازرسی و صدور گواهی، امکان انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه، امکان بهره‌گیری از برخی سازوکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، و نیز اختصاص درآمدهای حاصل به توسعه زیرساخت‌های بنادر و جزایر ایرانی و ارائه خدماتی مانند سوخت‌رسانی و انبارداری را مورد تصریح قرار داده است.

دوم آنکه این لایحه با الحاق بندهای جدید به ماده ۶ قانون، در مقام تکمیل مصادیق عبور غیر بی‌ضرر برآمده و بر مواردی چون هرگونه فعالیت محل امنیت دریانوردی و عدم رعایت ضوابط بهداشتی، عبور و مرور از مبدأ، به مقصد یا به ذی‌نفعی دولت‌ها، رژیم‌ها و گروه‌های متخاصم با جمهوری اسلامی ایران یا اتباع آن‌ها، و نیز هرگونه فعالیت در راستای اقدام، حمایت یا تقویت اقدامات تروریستی یا در جهت تأمین مالی تروریسم، پولشویی، قاچاق کالا و مواد مخدر و جرایم

مشابه تصریح کرده است. همچنین تشخیص شمول بند مربوط به دولت‌ها و رژیم‌های متخاصم، در مواردی که کشورها در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران مشارکت داشته یا هر یک از نهادهای قانونی جمهوری اسلامی ایران را تروریستی اعلام کرده باشند، به شورای عالی امنیت ملی واگذار شده است. این تصریح قانونی، از حیث شفاف‌سازی وضعیت حقوقی عبور و مرور در محدوده تنگه هرمز، رفع ابهام در مقام اجرا، و تقویت مبنای تصمیم‌گیری مراجع ذی‌ربط، واجد اهمیت اساسی است.

سوم آنکه لایحه حاضر برای تضمین کارآمدی مقررات پیشنهادی، ضمانت اجرای مشخصی را نیز پیش‌بینی کرده و عبور و مرور در آب‌های واقع در محدوده تنگه هرمز بدون اخذ گواهی تأییدیه مذکور را مشمول توقیف کشتی دانسته و در صورت ممانعت کشتی از اجرای حکم قضایی، امکان مداخله نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را با دستور مقام قضایی مقرر کرده است. بدین ترتیب، پیش‌نویس حاضر صرفاً به بیان حکم تکلیفی اکتفا نکرده، بلکه درصدد آن است که میان قاعده ماهوی، سازوکار اجرایی و ابزار ضمانت اجرا، پیوندی روشن و عملیاتی برقرار نماید؛ امری که برای اثربخشی هرگونه نظام نظارتی در چنین آبراه راهبردی، ضرورتی بدیهی دارد. این رویکرد با ساختار قانون موجود نیز هماهنگ است؛ چه آنکه قانون ۱۳۷۲ نیز در مواد مختلف، اعمال صلاحیت‌های کیفری و مدنی، توقیف شناورها و حق تعقیب فوری متخلفان را پیش‌بینی کرده است.

بر این اساس، لایحه حاضر از حیث هدف، در پی تأمین امنیت دریانوردی، صیانت از امنیت ملی و منافع عالی کشور، مقابله مؤثرتر با تروریسم و تأمین مالی آن، پیشگیری از قاچاق و جرایم سازمان‌یافته دریایی، حفاظت از محیط زیست دریایی، رعایت ضوابط بهداشتی، ارتقای ظرفیت کنترلی و نظارتی جمهوری

اسلامی ایران در محدوده تنگه هرمز، تقویت نقش مراجع ملی به ویژه شورای عالی امنیت ملی در تنظیم سازوکارهای اجرایی، و نیز توسعه خدمات و زیرساخت‌های بندری و دریایی کشور است. از حیث مبنا نیز این لایحه بر همان بنیادهایی استوار است که قانون مادر بر آن‌ها بنا شده است؛ یعنی اعمال حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران در مناطق دریایی خود، جلوگیری از اختلال در نظم، آرامش و امنیت کشور، حفظ مصالح عالیه، و مقابله با هرگونه فعالیت مغایر با منافع و حقوق جمهوری اسلامی ایران. بنابراین، الحاق مواد پیشنهادی حاضر را باید در حکم تکمیل، تصریح و روزآمدسازی ظرفیت‌های قانون ۱۳۷۲ در قبال شرایط نوین و الزامات خاص حاکم بر تنگه هرمز دانست.

لذا، با عنایت به مراتب فوق و به منظور تأمین هرچه مؤثرتر امنیت، نظم، سلامت، منافع اقتصادی، مصالح راهبردی و اقتدار حقوقی جمهوری اسلامی ایران در یکی از حساس‌ترین و حیاتی‌ترین گذرگاه‌های دریایی جهان، «لایحه الحاق موادی به قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲» برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

متن لایحه الحاق موادی به قانون مناطق دریایی
جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان
مصوب ۱۳۷۲

ماده ۱- یک ماده تحت عنوان ماده ۵ مکرر به قانون الحاق می‌شود:

ماده ۵ مکرر- به منظور تأمین امنیت دریانوردی، مقابله با تروریسم و تأمین مالی آن، مقابله با قاچاق کالا و مواد مخدر، حفاظت از محیط زیست دریایی و ضوابط بهداشتی، هرگونه عبور و مرور در آب‌های واقع در محدوده تنگه هرمز، منوط به اخذ گواهی تأییدیه عدم وجود شرایط مذکور در ماده ۶ این قانون، از دولت جمهوری اسلامی ایران است.

کلیه دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط مکلفند با همکاری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و بر اساس تقسیم کاری که به تصویب شورای عالی

امنیت ملی می‌رسد، به نحو مقتضی نسبت به انجام بازرسی و صدور گواهی‌های لازم، اقدام نمایند.

تعرفه هزینه انجام بازرسی و صدور گواهی‌های لازم، به صورت سالیانه، در قانون بودجه سنواتی کل کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

تبصره ۱- وزارت امور خارجه مکلف است زمینه لازم را برای انعقاد موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه با کشورهای منطقه و سایر کشورها در جهت تأمین اهداف این ماده به عمل آورد.

تبصره ۲- صدور برخی از گواهی‌های مذکور، می‌تواند با تصویب شورای عالی امنیت ملی توسط سازوکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی و در چارچوب موافقتنامه‌های موضوع این ماده انجام پذیرد.

تبصره ۳- وزارت راه و شهرسازی مکلف است از محل درآمدهای موضوع این قانون نسبت به توسعه زیرساخت‌های حوزه خلیج فارس در بنادر و جزایر ایرانی به منظور ارائه خدمات اعم از سوخت‌رسانی و خدمات انبارداری (بانکرینگ) به شناورهای عبوری از آب‌های سرزمینی و آب‌های واقع در محدوده تنگه هرمز اقدام نماید.

ماده ۲- سه بند تحت عنوان بندهای ل، م، ن به ماده ۶ قانون الحاق می‌شود:

ل- هرگونه فعالیت محل امنیت دریانوردی و عدم رعایت ضوابط بهداشتی

م- عبور و مرور دریایی از مبدأ، به مقصد یا به ذی‌نفعی دولت‌ها، رژیم‌ها و

گروه‌های متخاصم با جمهوری اسلامی ایران یا اتباع آن‌ها

تبصره- با تشخیص شورای عالی امنیت ملی، کشورهایی که در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران مشارکت داشته و یا هرکدام از نهادهای قانونی جمهوری اسلامی ایران را تروریستی اعلام نمایند، مشمول این بند خواهند بود.

ن- هرگونه فعالیت در راستای اقدام، حمایت یا تقویت اقدامات تروریستی یا در جهت تأمین مالی تروریسم و پولشویی، قاچاق کالا و مواد مخدر و جرایم مشابه.

ماده ۳- یک ماده تحت عنوان ماده ۱۱ مکرر به قانون الحاق می‌شود:

ماده ۱۱ مکرر- عبور و مرور در آب‌های واقع در محدوده تنگه هرمز بدون اخذ گواهی تأییدیه عدم وجود شرایط مذکور در ماده ۶ این قانون از مراجع ذی‌ربط جمهوری اسلامی ایران، مشمول ماده ۵ قانون مجازات اسلامی بوده و متخلف به توقیف کشتی -در هر نقطه قابل اعمال-، محکوم خواهد شد.

در صورت ممانعت کشتی از اجرای حکم قضایی به هر نحو، با دستور مقام قضایی، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اقدامات لازم را نسبت به شناور اعمال خواهند کرد.

پیش نویس ماده واحده و لایحه الحاق موادی به قانون
اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
به عنوان «سازمان تروریستی» توسط ایالات متحده آمریکا

ماده واحده

لایحه الحاق موادی به قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان «سازمان تروریستی» توسط ایالات متحده آمریکا، مشتمل بر یک مقدمه توجیهی و دو ماده، به شرح پیوست، برای انجام تشریفات قانونی تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود.

مقدمه توجیهی

قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان «سازمان تروریستی» توسط ایالات متحده آمریکا، مصوب ۱۳۹۸، در پاسخ به اقدام مغایر با اصول مسلم حقوق بین‌الملل از سوی ایالات متحده آمریکا در

تروریستی اعلام کردن یکی از ارکان حاکمیتی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید و در چهارچوب آن، فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)، نیروها و نهادهای تحت اختیار آن تروریست اعلام شدند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شد در چهارچوب مصوبات شورای عالی امنیت ملی، اقدامات متقابل و قاطع را در برابر اقدامات تروریستی نیروهای آمریکایی که منافع جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره می‌اندازند، به عمل آورد. همچنین قانون مزبور، تکالیفی در زمینه تعقیب قضایی اشخاص و نهادهای دخیل، حمایت از اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پیگیری حقوقی و سیاسی در مجامع بین‌المللی، مقابله با حمایت کشورها از اقدام آمریکا، و گزارش‌دهی مستمر دستگاه‌های اجرایی پیش‌بینی کرده است.

با وجود این، تحولات سال‌های اخیر و به‌ویژه گسترش اقدامات خصمانه، تروریستی، تحریمی و جنگی علیه جمهوری اسلامی ایران و نیز نقش‌آفرینی مستقیم یا غیرمستقیم نیروها، رژیم‌ها و گروه‌های تروریستی تحت حمایت ایالات متحده آمریکا، نشان داده است که ظرفیت‌های قانون موجود، هرچند مهم و پایه‌ای، برای پاسخگویی جامع به ابعاد نوپدید این وضعیت، نیازمند تکمیل و توسعه است. تجربه جنگ اخیر، حملات مستقیم و غیرمستقیم علیه ایران، نقش حمایتی و هدایتگر ایالات متحده آمریکا نسبت به بازیگران تروریستی و متخاصم، و لزوم پیش‌بینی سازوکارهای روشن‌تر برای جبران خسارات، مصادره اموال، تعقیب جنایات بین‌المللی و حمایت از زیان‌دیدگان، ضرورت الحاق مقررات تکمیلی به قانون مزبور را بیش از پیش آشکار ساخته است.

لایحه حاضر در همین چارچوب، درصدد است که نخست، مسئولیت تضامنی ایالات متحده آمریکا و نیروها، رژیم‌ها و گروه‌های تروریستی تحت

حمایت آن را در قبال اقدامات تروریستی و خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران، اتباع و اشخاص مقیم ایران تصریح کند و امکان بازرسی، شناسایی، ضبط و مصادره اموال واقعی متعلق به دولت آمریکا و عوامل تروریستی تحت حمایت آن را برای جبران خسارات وارده فراهم آورد. همچنین دامنه خسارات قابل مطالبه را به خسارات ناشی از اقدامات آمریکا و عوامل وابسته به آن، از جمله اقدام نظامی و تحریم‌های ظالمانه، توسعه می‌دهد و حق اشخاص حقیقی و حقوقی برای مطالبه جبران خسارت از محل اموال مصادره‌شده را به رسمیت می‌شناسد. افزون بر این، لایحه، ایجاد سامانه‌ای برای ثبت و اعلام مستندات خسارات اشخاص، پیش‌بینی عوارض و ضمانت اجرای مرتبط با حمل اموال موضوع قانون، و تسری احکام مربوط به ایالات متحده آمریکا و نیروهای آمریکایی به سایر نیروها، گروه‌ها و رژیم‌های تروریستی تحت حمایت آمریکا را مقرر می‌دارد.

از سوی دیگر، لایحه حاضر با الحاق مواد جدید، در پی آن است که بستر قضایی و نهادی روشن‌تری برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی و اقدامات ضد حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم آورد. در این راستا، تشکیل شعب ویژه در دادگاه‌های کیفری یک برای رسیدگی به جنایت تجاوز، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل‌زدایی، تروریسم و تأمین مالی آن، شروع یا تهدید به جنگ علیه ایران و اقدامات ضد حقوق بشر پیش‌بینی شده و دایره اشخاص قابل تعقیب نیز با لحاظ تابعیت، اقامت، محل وقوع جرم و اصل صلاحیت جهانی توسعه یافته است. همچنین تکلیف دادگاه به برآورد و حکم به جبران خسارات، امکان صدور حکم غیابی و پرداخت خسارات از محل اموال موضوع قانون، تأسیس صندوق جبران خسارات ناشی از جنگ، تعیین منابع و مصارف آن، و حق طرح شکایت و اعتراض برای اشخاص موضوع ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی

کیفری، از دیگر اجزای تکمیلی این لایحه است. مجموعه این احکام، در حقیقت، قانون موجود را از سطح یک قانون واکنشی اولیه، به سطح یک سازوکار جامع‌تر برای اقدام متقابل، تعقیب، جبران و بازسازی حقوقی ارتقا می‌دهد.

بر این اساس، و به‌منظور تکمیل ظرفیت‌های تقنینی جمهوری اسلامی ایران در برابر اقدامات تروریستی، خصمانه، جنگی و ضد حقوق بشری دولت ایالات متحده آمریکا و نیروها، گروه‌ها و رژیم‌های تروریستی تحت حمایت آن، و برای ایجاد سازوکارهای مؤثرتر در زمینه جبران خسارات، تعقیب کیفری و مدیریت منابع جبرانی، «لایحه الحاق موادی به قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان «سازمان تروریستی» توسط ایالات متحده آمریکا» برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود.

متن لایحه الحاق موادی به قانون اقدام متقابل در برابر
اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان «سازمان
تروریستی» توسط ایالات متحده آمریکا

ماده ۱

هشت تبصره به شرح زیر به ماده (۲) قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان «سازمان تروریستی» توسط ایالات متحده آمریکا الحاق می‌شود:

تبصره ۱- با عنایت به مشارکت ایالات متحده آمریکا در اقدامات تروریستی گروه‌ها، رژیم‌ها و نیروهای تروریستی تحت حمایت خود از جمله داعش و رژیم صهیونیستی و هدایت آن‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، اتباع و اشخاص مقیم ایران، مسئولیت تمامی اقدامات مذکور به صورت تضامنی با ایالات متحده آمریکا و عوامل فوق است.

تبصره ۲- دولت جمهوری اسلامی ایران با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح (بر اساس تقسیم کار شورای عالی امنیت ملی) مکلف است تمامی شناورهای در حال عبور از آبراه‌های قابل دسترسی، از جمله تنگه هرمز را که ظن همراه داشتن اموال مربوط به ایالات متحده آمریکا، نیروها، گروه‌ها یا رژیم‌های موضوع بند «الف» نسبت به آن وجود دارد، به نحو مقتضی بازرسی نماید و چنانچه اموالی کشف کند که مالک واقعی آن (صرف نظر از معاملات ظاهری یا شخصیت‌های حقوقی ظاهری) ایالات متحده آمریکا، نیروها، رژیم‌ها یا گروه‌های تروریستی تحت حمایت آمریکا باشد، جهت جبران خسارات وارده، مصادره نماید.

تبصره ۳- منظور از خسارات وارده در این ماده شامل خساراتی نیز می‌شود که پس از انقلاب اسلامی به موجب هرگونه اقدام آمریکا یا عوامل مذکور در تبصره ۱ از جمله اقدام نظامی، تحریم‌های ظالمانه علیه جمهوری اسلامی ایران یا سایر دولت‌ها یا گروه‌های محور مقاومت، به جمهوری اسلامی ایران، اتباع آن و یا هر شخص حقیقی و حقوقی وارد آمده است.

تبصره ۴- اجرای حکم این ماده منوط به شکایت اشخاص یا صدور حکم محکومیت و نظایر آن نیست و صرفاً با تشخیص تعلق اموال به دولت تروریستی آمریکا یا عوامل فوق‌الذکر، حکم این ماده اجرا می‌شود.

تبصره ۵- اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند با اثبات تعلق خسارت موضوع این ماده به آنها در مراجع قضایی ایران، جبران خسارت خود را از محل این اموال تقاضا نمایند.

تبصره ۶- کلیه وسایل حمل‌ونقل حامل اموال موضوع این ماده مشمول عوارضی به میزان حداقل ۱ درصد از معادل ارزش اموال حمل‌شده خواهند بود.

در صورتیکه مرتکب تقلب یا پنهان کاری اموال مذکور باشند، وسیله نقلیه نیز به همراه آن اموال مصادره خواهد شد. همچنین در صورتیکه هر شخص اعم از خدمه کشتی‌ها در کشف اموال موضوع این ماده همکاری نماید و یا این اموال را معرفی نماید، در صورت صحت ادعا و مصادره اموال مزبور، مستحق دریافت ۱ تا ۵ درصد از اموال مصادره شده حسب میزان همکاری است.

تبصره ۷- قوه قضاییه مکلف است سامانه‌ای را بمنظور اعلام مستندات مربوط به خسارت‌های اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی و غیرایرانی ناشی از تحریم‌های ظالمانه علیه جمهوری اسلامی ایران یا سایر دولت‌ها یا گروه‌های محور مقاومت راه‌اندازی نماید. منابع لازم برای اجرای احکام این ماده از جمله سامانه موضوع این تبصره از محل اموال موضوع این تبصره تأمین می‌شود. تا زمان مصادره اموال قوه قضاییه مکلف است از محل سایر منابع در اختیار نسبت به راه‌اندازی سامانه اقدام نماید.

تبصره ۸- احکام مربوط به دولت ایالات متحده آمریکا و نیروهای آمریکایی مقرر در این قانون شامل نیروها، گروه‌ها و رژیم‌های تروریستی تحت حمایت آمریکا از جمله داعش و رژیم صهیونیستی نیز می‌شود.

فهرست سایر نیروها، رژیم‌ها و گروه‌های تروریستی تحت حمایت آمریکا توسط شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود.

ماده ۲

مواد (۱۵) تا (۱۹) به شرح زیر به قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان «سازمان تروریستی» توسط ایالات متحده آمریکا الحاق می‌شود:

ماده ۱۵- با تعیین رئیس قوه قضائیه شعب ویژه‌ای از دادگاه‌های کیفری ۱ در تهران و مراکز استان‌ها، تحت عنوان «شعب ویژه رسیدگی به جنایات بین‌المللی یا حقوق بشر»، تشکیل و صلاحیت رسیدگی به جرایم زیر را دارند، حتی اگر تمام یا بخشی از آنها در خارج از قلمرو سرزمینی ایران واقع شده باشد:

الف- جنایت تجاوز (Aggression) علیه جمهوری اسلامی ایران ب- جنایات جنگی (War Crimes) پ- جنایات علیه بشریت (Crimes against Humanity) ت- نسل‌زدایی (Genocide) ث- تروریسم و تأمین مالی تروریسم ج- شروع یا تهدید به جنگ علیه ایران چ- اقدامات ضد حقوق بشر.

ماده ۱۶- اشخاص زیر قابل تعقیب در دادگاه‌های فوق می‌باشند:

الف- اتباع ایران یا افراد بدون تابعیت که مقیم ایران هستند. ب- اتباع خارجی که مرتکب جنایات بین‌المللی علیه ایران یا اتباع ایران شده‌اند. پ- اتباع خارجی که در خارج از ایران مرتکب نسل‌زدایی، جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت شده‌اند (اصل صلاحیت جهانی). ت- اتباع خارجی که به عنوان فرمانده یا مافوق، مسئولیت نظارت (کنترل) مؤثر بر ارتکاب جنایات بین‌المللی را داشته‌اند. ث- خلبانان و نظامیان یا غیرنظامیانی که در جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت یا اقدامات ضد حقوق بشری شرکت داشته‌اند.

ماده ۱۷- علاوه بر مجازات‌های مقرر در قوانین جزایی ایران، دادگاه موظف است:

الف- میزان خسارات وارده به دولت ایران یا اتباع ایرانی را برآورد نماید. ب- حکم به جبران خسارات از محل اموال شناسایی شده محکوم‌علیه صادر نماید. پ- در صورت عدم دسترسی به محکوم‌علیه، حکم غیابی صادر و خسارات وارده

از محل اموال موضوع ماده ۲ این قانون پرداخت می‌شود. همچنین مراتب جهت پیگیری سیاسی و حقوقی به وزارت امور خارجه اعلام خواهد شد.

ماده ۱۸- به منظور تمرکز منابع و مدیریت کارآمد جبران خسارات و بازسازی مناطق آسیب‌دیده، صندوقی با عنوان «صندوق جبران خسارات ناشی از جنگ» نزد وزارت امور اقتصادی و دارایی تأسیس می‌گردد.

منابع صندوق: الف- کلیه وجوه حاصل از مصادره اموال موضوع این قانون
ب- غرامت‌های جنگی وصول‌شده از کشورهای متخاصم ت- کمک‌های داوطلبانه اشخاص حقیقی و حقوقی ث- بودجه مصوب سالانه دولت.

مصارف صندوق: الف- جبران خسارات اشخاص از جمله دیه و سایر هزینه‌های خانواده‌های شهدا، جانبازان و مصدومین ب- جبران خسارتهای مالی وارد بر اشخاص نظیر خودرو، محل کسب و... پ- بازسازی مناطق آسیب‌دیده از جنگ ت- توسعه زیرساخت‌های دفاعی و امنیتی ث- کمک به بازسازی اقتصادی مناطق جنگ‌زده ج- تأمین مالی طرح (پروژه)های تحقیقاتی در زمینه پیشگیری و مقابله با جنگ.

ماده ۱۹- اشخاص موضوع ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توانند نسبت به جرائم موضوع این قانون طرح شکایت نموده و در تمام مراحل رسیدگی حضور داشته و نسبت به احکام صادره اعتراض، اعم از تجدیدنظر، اعاده دادرسی و نظایر آن، نمایند.

پیش‌نویس نهایی لایحه
قانون جبران خسارات اشخاص ناشی از جنگ، تجاوز و
مخاصمات مسلحانه

مقدمه توجیهی

نظر به اینکه در دهه‌های گذشته، جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف با تجاوز، حملات مسلحانه، اقدامات خصمانه خارجی، جنگ مستقیم یا نیابتی و آثار گسترده آن بر جان، مال، مسکن، محل کسب، ابزار تولید، وسایل نقلیه، دارایی‌های منقول و غیرمنقول و ثبات اقتصادی و اجتماعی اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی مواجه بوده است، ضرورت دارد نظام حقوقی کشور در این حوزه از سطح تدابیر مقطعی، موردی و پراکنده فراتر رفته و به سمت استقرار سازوکاری جامع، پایدار، شفاف و واحد برای جبران خسارات جنگی حرکت کند.

هرچند در سال‌های گذشته، مقررات و تدابیر متعددی در قالب احکام بودجه‌ای، آیین‌نامه‌های اجرایی بازسازی مناطق جنگ‌زده، مصوبات هیأت وزیران، دستورالعمل‌های حمایتی و تصمیمات خاص متناسب با هر مقطع اتخاذ

شده است، لیکن بررسی مجموع این مقررات نشان می‌دهد که تاکنون قانونی جامع، دائمی و منسجم که به صورت یکپارچه مرجع واحد جبران خسارت، نحوه ثبت و رسیدگی، شیوه ارزیابی و تقویم خسارت، اولویت‌ها، مواعد اقدام، سازوکار اعتراض، منابع مالی، و نیز نسبت میان جبران داخلی و استیفای بین‌المللی خسارات را تعیین نماید، در نظام حقوقی کشور پیش‌بینی نشده است.

از سوی دیگر، در مواضع و تأکیدات اعلامی مسئولان و شخصیت‌های مؤثر کشور، بر ضرورت توجه مؤثر به زیان‌دیدگان جنگ و لزوم جبران خسارات واردشده بر اشخاص تأکید شده است؛ امری که نه صرفاً یک اقدام حمایتی موقت، بلکه مقتضای عدالت عمومی، حمایت از مالکیت مشروع، صیانت از کرامت انسانی، و التزام دولت به بازگرداندن امنیت و ثبات به زندگی زیان‌دیدگان محسوب می‌شود.

همچنین تجربه عملی مخصصات اخیر نشان داده است که فقدان مرجع واحد قانونی، موجب توزیع صلاحیت و مسئولیت میان نهادهای متعدد از جمله شهرداری‌ها، استانداری‌ها، بنیاد مسکن، مراجع بیمه‌ای، بانک‌ها، ستادهای مدیریت بحران و دیگر دستگاه‌ها شده و علی‌رغم کوشش‌های اجرایی قابل توجه، در مواردی زیان‌دیدگان را با ابهام نسبت به مرجع صالح، نحوه ثبت خسارت، معیارهای ارزیابی، زمان‌بندی جبران و شیوه اعتراض مواجه ساخته است.

بر این اساس، به منظور:

۱. ایجاد مرجع واحد قانونی برای ثبت، ارزیابی، تقویم، جبران و نظارت بر خسارات ناشی از جنگ؛
۲. جلوگیری از پراکندگی، تعارض و موازی‌کاری میان دستگاه‌های اجرایی؛

۳. تعیین تکلیف روشن نسبت به خسارات اموال منقول و غیر منقول، خسارات مستقیم و غیر مستقیم، و زیان‌های اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی؛
۴. پیش‌بینی سازوکار مرحله‌ای شامل اسکان اضطراری، اسکان موقت، پرداخت علی‌الحساب، بازسازی، پرداخت نهایی و جبران تکمیلی؛
۵. تضمین حق اعتراض و بازبینی کارشناسی؛
۶. فراهم آوردن بستر حقوقی لازم برای استیفای خسارات از دولت‌ها، نهادها و اشخاص مسئول در سطح بین‌المللی؛
- لایحه زیر برای تصویب تقدیم می‌شود.

متن لایحه

فصل اول - کلیات، اهداف و تعاریف

ماده ۱ - هدف

به منظور حمایت مؤثر، سریع، منظم و عادلانه از اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی که در اثر جنگ، تجاوز، حمله مسلحانه، عملیات خصمانه خارجی، اشغال، خرابکاری نظامی یا هر نوع مخاصمه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران متحمل خسارت می‌شوند، این قانون برای تعیین مرجع واحد ثبت، ارزیابی، تقویم، جبران، بازسازی، اسکان موقت، رسیدگی به اعتراضات، و استیفای خسارات از عامل یا عوامل مسئول وضع می‌شود.

ماده ۲ - دامنه شمول

این قانون شامل موارد زیر است:

الف - اشخاص حقیقی ایرانی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران یا در ارتباط مستقیم با مخاصمه، متحمل خسارت شده‌اند.

ب - اشخاص حقوقی خصوصی ثبت شده در جمهوری اسلامی ایران که در اثر مخاصمه متحمل خسارت شده‌اند.

پ - خسارات وارد بر اموال منقول و غیر منقول، اعم از مسکونی، تجاری، خدماتی، اداری، تولیدی، کشاورزی، دامی، وسایل نقلیه، ماشین‌آلات، ابزار کار، موجودی‌ها، لوازم ضروری زندگی و سایر دارایی‌های قانونی.

ت - خسارات مستقیم و غیر مستقیم ناشی از جنگ، در حدود این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن.

ماده ۳ - تعاریف

اصطلاحات به کار رفته در این قانون در معانی زیر استعمال می‌شود:

الف - خسارت جنگی: هر نوع زیان مادی، مالی، معیشتی یا انتفاعی که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه جنگ، تجاوز، حمله مسلحانه یا عملیات خصمانه خارجی ایجاد شود.

ب - زیان دیده: شخص حقیقی یا حقوقی مشمول این قانون که خسارت او مطابق مقررات این قانون احراز شود.

پ - جبران: اعم از پرداخت نقدی، پرداخت علی الحساب، تأمین اسکان اضطراری، ودیعه یا اجاره اسکان موقت، تعمیر، بازسازی، مقاوم سازی، تأمین مال جایگزین، تسهیلات حمایتی یا هر شیوه جبرانی مقرر در این قانون.

ت - خسارت مستقیم: خسارتی که بی واسطه از اصابت، انفجار، تخریب، آتش سوزی، ریزش یا آثار فیزیکی عملیات خصمانه ناشی شده باشد.

- ث - خسارت غیرمستقیم: خسارتی که در نتیجه مستقیم شرایط جنگی، از جمله عدم امکان سکونت، تعطیلی موقت یا دائم فعالیت، جابه‌جایی اجباری، قطع دسترسی یا محرومیت از انتفاع متعارف ایجاد شود.
- ج - تقویم خسارت: تعیین نوع، میزان، ارزش و آثار مالی خسارت بر اساس معیارهای کارشناسی مقرر در این قانون.
- چ - سازمان: سازمان ملی جبران خسارات جنگی موضوع این قانون.

ماده ۴ - اصل حاکم

دولت مکلف است در حدود این قانون، جبران سریع، منظم، عادلانه و مؤثر خسارات اشخاص ناشی از جنگ را سازمان‌دهی و اجرا نماید. اجرای این تکلیف مانع از پیگیری حقوقی، دیپلماتیک و بین‌المللی علیه عامل یا عوامل مسئول نخواهد بود.

فصل دوم - سازمان ملی جبران خسارات جنگی

ماده ۵ - تشکیل سازمان

به منظور تمرکز سیاست‌گذاری، هماهنگی، ثبت، ارزیابی، تقویم، پرداخت، بازسازی و نظارت، سازمان ملی جبران خسارات جنگی با شخصیت حقوقی مستقل، استقلال مالی و اداری، و وابسته به نهاد ریاست جمهوری تشکیل می‌شود.

ماده ۶ - وظایف سازمان

وظایف سازمان عبارت است از:

- الف - ایجاد و اداره سامانه ملی ثبت خسارات جنگی.
- ب - دریافت، ثبت، بررسی و پیگیری ادعاهای زیان دیدگان.
- پ - تشکیل و اداره هیأت‌های ارزیابی و تقویم خسارت.
- ت - اتخاذ تصمیم درباره نحوه جبران خسارت و اجرای آن.
- ث - تأمین اسکان اضطراری و موقت زیان دیدگان واجد شرایط.
- ج - برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت بر تعمیر، بازسازی، مقاوم‌سازی و نوسازی اموال خسارت‌دیده.
- چ - اداره صندوق ملی جبران خسارات جنگی.
- ح - تهیه ضوابط، جداول و معیارهای ارزیابی و تقویم خسارت.
- خ - تنظیم بانک جامع اطلاعات خسارات جنگی.
- د - همکاری با وزارت امور خارجه، وزارت دادگستری، معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و سایر مراجع ذی‌ربط برای استیفای بین‌المللی خسارات.
- ذ - انتشار گزارش‌های ادواری از عملکرد، منابع و مصارف.
- ر - ایجاد وحدت رویه و رفع تعارض و تداخل عملکرد میان دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط.

ماده ۷ - ارکان سازمان

ارکان سازمان عبارت‌اند از:

- الف - هیأت امنای
- ب - رئیس سازمان
- پ - هیأت عالی ارزیابی و تقویم خسارت
- ت - هیأت‌های استانی جبران خسارت

ث - هیأت‌های تجدیدنظر

ج - صندوق ملی جبران خسارات جنگی

ماده ۸ - هیأت امنای

هیأت امنای سازمان مرکب است از:

۱. معاون اول رئیس جمهور - رئیس هیأت امنای

۲. وزیر دادگستری

۳. وزیر راه و شهرسازی

۴. وزیر کشور

۵. وزیر امور اقتصادی و دارایی

۶. رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور

۷. رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۸. رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

۹. یک نفر قاضی عالی‌رتبه به معرفی رئیس قوه قضائیه

۱۰. یک نفر حقوقدان متخصص در حوزه مسئولیت مدنی و حقوق عمومی به

پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران

۱۱. یک نفر کارشناس رسمی برجسته در ارزیابی خسارات به پیشنهاد رئیس

سازمان و تصویب هیأت امنای

۱۲. رئیس سازمان به عنوان دبیر هیأت امنای

ماده ۹ - وظایف هیأت امنای

وظایف هیأت امنای عبارت است از:

الف - تصویب سیاست‌های کلان جبران خسارات جنگی

ب - تصویب ضوابط ارزیابی و تقویم خسارت

- پ- تصویب اولویت‌های زمانی و موضوعی جبران
- ت- تصویب بودجه سالانه و فوق‌العاده سازمان و صندوق
- ث- تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های موضوع این قانون
- ج- نظارت عالی به حسن اجرای این قانون
- چ- تعیین حدود خسارات قابل جبران و بازنگری مستمر در آنها

ماده ۱۰- هیأت‌های استانی

در هر استان، هیأت استانی جبران خسارت زیر نظر استاندار و با دبیری مدیرکل استانی سازمان تشکیل می‌شود. دستگاه‌های اجرایی استانی، شهرداری‌ها، بنیاد مسکن، فرمانداری‌ها، مراجع بیمه‌ای، جهاد کشاورزی، اتاق اصناف، اتاق بازرگانی و سایر مراجع ذی‌ربط مکلف به همکاری با هیأت استانی هستند.

تبره - در شهر تهران، وظایف هیأت استانی با رعایت این قانون و تحت مدیریت مدیر استانی سازمان و با همکاری شهرداری تهران انجام می‌شود.

فصل سوم- انواع خسارات قابل جبران

ماده ۱۱- خسارات اموال غیرمنقول

خسارات قابل جبران در حوزه اموال غیرمنقول شامل موارد زیر است:

- الف- تخریب کلی یا جزئی واحدهای مسکونی
- ب- تخریب کلی یا جزئی واحدهای تجاری، خدماتی، اداری و تولیدی
- پ- تخریب یا آسیب به اماکن کشاورزی، دامی، انبارها و تأسیسات وابسته
- ت- هزینه آواربرداری، پاکسازی، ایمن‌سازی و رفع خطر

- ث - هزینه بازسازی، مقاوم‌سازی، تعمیر اساسی یا جزئی
- ج - هزینه‌های قانونی لازم برای بازگشت ملک به قابلیت بهره‌برداری
- چ - خسارت ناشی از عدم امکان سکونت یا بهره‌برداری از ملک در مدت معین

ماده ۱۲ - خسارات اموال منقول

- خسارات قابل جبران در حوزه اموال منقول شامل موارد زیر است:
- الف - خودرو، موتورسیکلت، ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار کار و وسایل نقلیه
- ب - اثاث و لوازم خانگی ضروری
- پ - موجودی انبار، مواد اولیه، کالا و تجهیزات صنفی و تجاری
- ت - دام، طیور، محصولات کشاورزی و تجهیزات مزرعه و باغ
- ث - شناورها و ادوات وابسته در حدود آیین‌نامه اجرایی
- ج - سایر اموال منقولی که بر اساس ضوابط مصوب هیأت امنای قابل شناسایی باشد

ماده ۱۳ - خسارات غیرمستقیم

- در حدود آیین‌نامه اجرایی این قانون، خسارات غیرمستقیم زیر نیز قابل جبران است:

- الف - هزینه اسکان اضطراری و موقت
- ب - ودیعه یا اجاره مسکن موقت
- پ - زیان تعطیلی موقت یا توقف اجباری فعالیت اقتصادی
- ت - هزینه جابه‌جایی اجباری و انتقال اموال
- ث - محرومیت موقت از انتفاع متعارف از مال
- ج - هزینه‌های ضروری ناشی از تخلیه، حفظ جان و ایمنی

ماده ۱۴ - خسارات اشخاص حقوقی خصوصی

اشخاص حقوقی خصوصی نسبت به اموال، دارایی‌ها، ابزار تولید، موجودی، تأسیسات، خودروها و زیان ناشی از توقف فعالیت، در حدود این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، از حق جبران برخوردارند.

ماده ۱۵ - اولویت‌های جبران

در تخصیص منابع و ترتیب جبران، اولویت با موارد زیر است:

الف - خانوارهای فاقد سرپناه یا دارای واحد غیرقابل سکونت

ب - اشخاص کم‌برخوردار، زنان سرپرست خانوار، سالمندان، کودکان و افراد دارای معلولیت

پ - واحدهای تولیدی و خدماتی دارای اشتغال مستقیم

ت - خساراتی که استمرار آنها موجب تهدید سلامت عمومی، ایمنی یا نظم اجتماعی شود

فصل چهارم - ثبت ادعا، ارزیابی و تقویم خسارت

ماده ۱۶ - ثبت درخواست

زیان‌دیدگان مکلف‌اند درخواست جبران خسارت را از طریق سامانه ملی جبران خسارات جنگی یا دفاتر تعیین‌شده توسط سازمان ثبت نمایند.

تبصره - سازمان مکلف است امکان ثبت درخواست به صورت حضوری، الکترونیکی، تلفنی و میدانی را فراهم کند.

ماده ۱۷ - مهلت ثبت

مهلت ثبت اولیه خسارت شش ماه از تاریخ وقوع خسارت است.

تبصره ۱ - در صورت استمرار مخاصمه، آوارگی، اختلال عمومی، بستری بودن یا عذر موجه، این مهلت تا یک سال قابل تمدید است.

تبصره ۲ - پذیرش درخواست خارج از مهلت در صورت احراز عذر موجه، با تصمیم هیأت استانی بلامانع است.

ماده ۱۸ - مدارک و ادله

برای ثبت و رسیدگی به درخواست، حسب مورد ارائه یک یا چند مورد از مدارک و ادله زیر کافی است:

- الف - اسناد مالکیت، اجاره، تصرف قانونی یا مدارک بهره‌برداری
- ب - اسناد هویتی یا ثبتی اشخاص حقوقی
- پ - عکس، فیلم، گزارش‌های مدیریت بحران، شهرداری، بنیاد مسکن، کلانتری، آتش‌نشانی یا سایر مراجع رسمی
- ت - استعلام از بانک‌های اطلاعاتی دولتی
- ث - شهادت مطلعین و سایر قرائن معتبر

تبصره - در شرایط جنگی، فقدان یا عدم دسترسی موقت به اسناد رسمی مانع رسیدگی نیست و سازمان مکلف است با استفاده از امارات، استعلامات و قرائن معتبر نسبت به احراز خسارت اقدام کند.

ماده ۱۹ - هیأت‌های ارزیابی

برای ارزیابی و تقویم خسارات، هیأت‌های تخصصی زیر تشکیل می‌شود:

- الف - هیأت ارزیابی املاک و مستغلات
- ب - هیأت ارزیابی خودرو و وسایل نقلیه
- پ - هیأت ارزیابی واحدهای تولیدی، تجاری و خدماتی

ت - هیأت ارزیابی کشاورزی، دام، باغات و نخیلات

ث - هیأت ارزیابی لوازم و اموال منقول

ج - هیأت ارزیابی خسارات غیرمستقیم

ماده ۲۰ - ترکیب هیأت‌های ارزیابی

هر هیأت ارزیابی حداقل از سه عضو تشکیل می‌شود:

الف - یک کارشناس رسمی دادگستری یا کارشناس مورد تأیید سازمان در رشته مربوط

ب - یک نماینده دستگاه تخصصی ذی‌ربط

پ - یک نماینده سازمان

تبصره - در پرونده‌های مهم، کلان یا پیچیده، هیأت ارزیابی می‌تواند به تشخیص سازمان به صورت پنج‌نفره تشکیل شود.

ماده ۲۱ - مواعد ارزیابی

هیأت استانی مکلف است پس از تکمیل پرونده:

الف - در خسارات جزئی ظرف ده روز کاری

ب - در خسارات متوسط ظرف بیست روز کاری

پ - در خسارات عمده و پیچیده ظرف سی روز کاری

نسبت به بازدید، ارزیابی و صدور نظریه اولیه اقدام نماید.

تبصره - تمدید مواعد فوق فقط یک بار و با ذکر دلیل موجه و حداکثر تا نصف

مهلت مقرر مجاز است.

ماده ۲۲ - معیارهای تقویم خسارت

تقویم خسارت بر پایه معیارهای زیر انجام می‌شود:

- الف - هزینه روز تعمیر، بازسازی یا مقاوم‌سازی
- ب - ارزش روز مال در صورت تلف یا عدم امکان تعمیر
- پ - هزینه جایگزینی متعارف برای اموال ضروری
- ت - هزینه رفع خطر، آواربرداری و پاکسازی
- ث - میزان و مدت محرومیت از انتفاع متعارف
- ج - آثار مستقیم تعطیلی موقت فعالیت اقتصادی

تبصره - ضوابط تفصیلی، جداول تقویم خسارت و نحوه ارزش‌گذاری هر دسته از اموال، ظرف سه ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط سازمان تهیه و به تصویب هیأت امنای می‌رسد.

ماده ۲۳ - پرداخت علی‌الحساب

در صورتی که اصل خسارت و استحقاق زیان‌دیده احراز شده لیکن تعیین میزان نهایی مستلزم زمان بیشتر باشد، سازمان مکلف است حداکثر ظرف هفت روز کاری از تاریخ احراز اولیه، بخشی از خسارت را به عنوان علی‌الحساب پرداخت نماید.

تبصره - میزان علی‌الحساب کمتر از پنجاه درصد برآورد اولیه نخواهد بود،

مگر در موارد استثنایی که به موجب آیین‌نامه اجرایی تعیین می‌شود.

فصل پنجم - شیوه‌های جبران و مواعید اقدام

ماده ۲۴ - شیوه‌های جبران

جبران خسارت حسب مورد از یک یا ترکیبی از روش‌های زیر صورت

می‌گیرد:

الف - پرداخت نقدی یکجا

ب - پرداخت نقدی مرحله‌ای

پ - اسکان اضطراری

ت - ودیعه یا اجاره اسکان موقت

ث - تعمیر، بازسازی یا مقاوم‌سازی مستقیم

ج - تأمین مال یا واحد جایگزین

چ - پرداخت تسهیلات قرض الحسنه یا کم‌بهره

ح - تقبل یا معافیت از برخی هزینه‌های قانونی، اداری و خدمات عمومی

ماده ۲۵ - اسکان اضطراری

در صورت غیرقابل سکونت بودن واحد مسکونی، سازمان مکلف است حداکثر ظرف چهل و هشت ساعت از تاریخ احراز اولیه، نسبت به تأمین اسکان اضطراری اقدام کند.

ماده ۲۶ - اسکان موقت

در مواردی که ادامه سکونت در ملک تا زمان بازسازی ممکن نباشد، سازمان مکلف است حداکثر ظرف ده روز کاری از تکمیل پرونده اولیه، نسبت به پرداخت ودیعه یا تأمین اجاره اسکان موقت یا اتخاذ شیوه جبرانی مناسب دیگر اقدام نماید.

ماده ۲۷ - پرداخت خسارات اموال منقول

خسارات قطعی اموال منقول جزئی باید حداکثر ظرف پانزده روز کاری از تاریخ قطعیت نظریه ارزیابی پرداخت شود.

ماده ۲۸ - جبران خسارات اموال غیر منقول

در خسارات وارده به اموال غیر منقول، سازمان مکلف است حداکثر ظرف سی روز کاری از تاریخ قطعیت نظریه ارزیابی، نسبت به آغاز عملیات اجرایی جبران، اعم از پرداخت مرحله اول، انعقاد قرارداد بازسازی، یا اتخاذ تصمیم اجرایی معادل اقدام نماید.

ماده ۲۹ - بیمه‌های خصوصی

وجود بیمه‌نامه خصوصی مانع برخورداری زیان‌دیده از حمایت‌های این قانون نیست. در صورت دریافت خسارت از بیمه‌گر خصوصی، سازمان با رعایت ضوابط آیین‌نامه اجرایی، نسبت به پرداخت مابه‌التفاوت یا اعمال حق جانشینی اقدام می‌کند.

فصل ششم - اعتراض، بازبینی و رسیدگی

ماده ۳۰ - حق اعتراض

هر متقاضی می‌تواند نسبت به رد درخواست، طبقه‌بندی خسارت، میزان تقویم، نحوه جبران، یا تأخیر غیرموجه در رسیدگی یا پرداخت، ظرف بیست روز کاری از تاریخ ابلاغ تصمیم، اعتراض خود را ثبت نماید.

ماده ۳۱ - هیأت تجدیدنظر استانی

در هر استان، هیأت تجدیدنظر استانی با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

الف - یک قاضی یا قاضی بازنشسته به معرفی رئیس کل دادگستری استان

ب - یک کارشناس رسمی ارشد در رشته مربوط

پ - یک نماینده سازمان که در رسیدگی بدوی دخالت نداشته باشد

این هیأت مکلف است ظرف پانزده روز کاری نسبت به اعتراض رسیدگی و تصمیم صادر کند.

ماده ۳۲ - هیأت تجدیدنظر ملی

در پرونده‌های کلان، پیچیده یا دارای اختلاف فاحش، تصمیم هیأت تجدیدنظر استانی ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل شکایت در هیأت تجدیدنظر ملی است. ترکیب و نحوه رسیدگی این هیأت به موجب آیین‌نامه اجرایی تعیین می‌شود.

ماده ۳۳ - مراجعه به دیوان عدالت اداری

تصمیمات قطعی اداری موضوع این قانون مانع از حق مراجعه اشخاص به دیوان عدالت اداری نخواهد بود.

ماده ۳۴ - رسیدگی خارج از نوبت

دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی ذیصلاح مکلف‌اند به دعاوی ناشی از اجرای این قانون خارج از نوبت رسیدگی کنند.

فصل هفتم - صندوق ملی جبران خسارات جنگی و منابع مالی

ماده ۳۵ - تشکیل صندوق

به منظور تمرکز و پایداری منابع مالی، صندوق ملی جبران خسارات جنگی زیر نظر سازمان تشکیل می‌شود.

ماده ۳۶ - منابع صندوق

منابع صندوق عبارت است از:

الف - اعتبارات مصوب در قوانین بودجه سنواتی

ب - اعتبارات فوق العاده دولت در شرایط جنگی

پ - وجوه حاصل از استیفای خسارات از دولت‌ها، اشخاص و نهادهای مسئول

ت - کمک‌ها، هدایای مردمی و سایر منابع قانونی

ث - عواید سرمایه‌گذاری‌های مجاز

ج - سایر منابعی که به موجب قانون پیش‌بینی می‌شود

ماده ۳۷ - تخصیص اضطراری

در صورت وقوع حمله یا مخاصمه، سازمان برنامه و بودجه کشور مکلف است حداکثر ظرف هفتاد و دو ساعت از اعلام رسمی دولت، نسبت به تخصیص اولیه منابع اضطراری به صندوق اقدام نماید.

ماده ۳۸ - شفافیت مالی و عملکردی

سازمان مکلف است هر سه ماه یک بار، گزارش تعداد پرونده‌ها، میزان خسارات ارزیابی‌شده، میزان پرداختی، منابع و مصارف صندوق، و وضعیت پرونده‌های مختومه و باز را منتشر کند.

فصل هشتم - استیفای بین‌المللی خسارات و جانشینی دولت

ماده ۳۹ - پیگیری خارجی

وزارت امور خارجه مکلف است با همکاری وزارت دادگستری، معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، مرکز امور حقوقی بین‌المللی و سازمان، نسبت به تنظیم، تجمیع و پیگیری بین‌المللی خسارات ثبت‌شده اقدام نماید.

ماده ۴۰ - جانشینی دولت

دولت و سازمان، پس از جبران خسارت زیان دیده، به میزان پرداخت انجام شده، در حقوق و دعاوی وی علیه عامل یا عوامل مسئول جانشین می شوند.

ماده ۴۱ - بانک جامع داده های خسارات جنگی

سازمان مکلف است بانک جامع داده های خسارات جنگی را برای استفاده اجرایی، آماری، کارشناسی و حقوقی ایجاد کند. کلیه دستگاه های اجرایی، انتظامی، امدادی، بیمه ای و قضایی مکلف به همکاری و تبادل اطلاعات با سازمان هستند.

ماده ۴۲ - حفظ ادله

کلیه دستگاه های اجرایی، انتظامی، امدادی، بیمه ای و قضایی مکلف اند نسبت به حفظ، ثبت، صیانت و تبادل ادله مربوط به خسارات جنگی، از جمله تصاویر، گزارش ها، کروکی ها، داده های مکانی و مستندات کارشناسی، مطابق آیین نامه اجرایی اقدام کنند.

فصل نهم - احکام متفرقه و انتقالی

ماده ۴۳ - رابطه با مقررات سابق

از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون:

الف - مقررات خاص و موردی مرتبط با هر مخاطمه، تا حدی که با این قانون تعارض نداشته باشند، به عنوان مقررات تکمیلی معتبر خواهند بود.

ب - ضوابط و دستورالعمل های تاریخی بازسازی مناطق جنگ زده، صرفاً از حیث

تجربه اجرایی و روش‌شناسی، می‌توانند مبنای تنظیم آیین‌نامه‌های این قانون قرار گیرند و اجرای مستقیم آنها منوط به تصریح در آیین‌نامه‌های جدید است.

ماده ۴۴ - منع سرگردانی مراجعان

هیچ دستگاه اجرایی حق ندارد متقاضی را به نحوی میان چند مرجع ارجاع دهد که موجب تعویق غیرموجه در ثبت، ارزیابی یا پرداخت شود. سازمان مرجع نهایی پاسخ‌گو و مسئول هماهنگی میان دستگاه‌ها است.

ماده ۴۵ - ضمانت اجرا

استتکاف، تأخیر غیرموجه، امتناع از همکاری، یا ارائه اطلاعات خلاف واقع از سوی مسئولان و دستگاه‌های مشمول این قانون، حسب مورد، تخلف اداری محسوب شده و موجب مسئولیت انتظامی، اداری و جبران خسارت خواهد بود.

ماده ۴۶ - آیین‌نامه‌های اجرایی

آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون، از جمله:

۱. آیین‌نامه ثبت و رسیدگی
 ۲. آیین‌نامه ارزیابی و تقویم خسارات
 ۳. آیین‌نامه اسکان اضطراری و موقت
 ۴. آیین‌نامه نحوه تهاوت با بیمه‌های خصوصی
 ۵. آیین‌نامه جبران خسارات کسب‌وکارها و واحدهای تولیدی
 ۶. آیین‌نامه نحوه استیفای بین‌المللی خسارات
- ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط سازمان تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۴۷ - زمان اجرا

این قانون از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجرا
است.